

## Unit 10 book 3

غیبت

غیبت حالت دور بودن چیزی است.  
ماسه در ساعت شنی وجود ندارد.

با صدای بلند

اگر چیزی را با صدای بلند بگویید ، آن را می گویند تا دیگران شما را بشنوند.  
پدر من غالباً برای من و خواهرم داستان با صدای بلند می خواند.

بدون مو

اگر کسی کچل باشد ، مو ندارد.  
برادر بزرگ من کچل است.

پتو

پتو پارچه ای است که برای گرم نگه داشتن یا نشستن از آن استفاده می کنید.  
پتو را روی زمین گذاشتم تا بتوانیم پیک نیک بزنیم.

خزیدن

خزیدن یعنی حرکت آرام و آهسته.  
گربه به آرامی روی درخت خزید.

طلاق

طلاق رویدادی است که در آن ازدواج به پایان می رسد.  
نرخ طلاق در بیست سال گذشته افزایش یافته است.

تقلید کردن

تقلید از کسی دقیقاً همان کاری است که او انجام می دهد.  
او با پوشیدن لباس از ابرقهرمان محبوب خود تقلید کرد.

نوزاد

نوزاد یک کودک است.  
کودک تمام شب گریه می کرد.

ادم دزدی کردن

آدم ربایی به معنای غیرقانونی بردن اوست.  
او از اینکه فهمید پسرش ربوده شده بسیار ترسیده بود.

چرت زدن

چرت خواب کوتاه است ، معمولاً در طول روز.  
چرت کوتاهی زدم چون دیشب تا دیر وقت بیدار ماندم.

هیچ کجا

شما از هیچ کجا استفاده نمی کنید تا بگویید مکان یا چیزی وجود ندارد.

متأسفانه آب در هیچ کجا یافت نشد.

آهسته زدن

آهسته زدن به چیزی به معنای این است که آن را به آرامی با دست خود بزنید.

مقداری لوسیون روی صورتتم زدم.

تسکین

تسکین احساسی است که با پایان یافتن اتفاق بد یا چالش برانگیز دریافت می کنید.

وقتی خبر خوب را شنیدم احساس آرامش کردم.

تکثیر

تولید مثل یعنی ساختن چیزی دقیقاً همانطور که شخص دیگری آن را انجام داده است.

بچه ها سعی کردند با استفاده از بلوک اسباب بازی خانه خود را تولید کنند.

قافیه

قافیه داشتن همان صداها در انتهای کلمه است. هومپتی دامپتی قافیه ای قدیمی است که کودکان در مدرسه یاد می گیرند.

مکیدن

مکیدن این است که چیزی را در دهان خود بگذارید و سعی کنید طعم آن را بدست آورید.

کودک شیر را از بطری خود مکید.

فوری

اگر کاری فوری است ، مهم است و باید اکنون انجام شود.

او مجبور شد اکنون برود. فوری بود

محو شدن

ناپدید شدن ناگهانی رفتن است.

همه مسافران از ایستگاه قطار ناپدید شدند.

واگن

واگن گاری است که برای حمل وسایل سنگین از آن استفاده می کنید.

وی برای حمل برخی از هدایای خود از واگن خود استفاده کرد.

چین و چروک

چین و چروک خطی در صورت فرد است که با پیر شدن رخ می دهد.

پدربزرگ من چروک صورت دارد.

آنا پرستار کودک

از زمان طلاق والدینش ، آنا مجبور شده است به مادرش کمک کند. در غیاب مادرش ، آنا از گریس ، کودک مراقبت می کند.

در ابتدا ، آنا فکر کرد کار ساده ای است.

یک روز بعد از ظهر ، آنا با گریس بازی کرد. او مثل گربه میو میو می کرد و گریس از او تقلید می کرد. در حقیقت ، گریس هر صدایی را که آنا می داد ، تولید کرد. خواهرش را به بیرون برد. او گریس را در واگن گذاشت ، اما جایی برای رفتن نبود. بنابراین آنها به داخل بازگشتند.

آنا نوزاد را روی زمین گذاشت و به اتاقش رفت. اما وقتی برگشت ، گریس ناپدید شد! آنا به همه جا نگاه کرد ، اما خواهرش را پیدا نکرد. شاید کودک ربوده شده باشد! " شما کجا هستید؟" آنا با صدای بلند صدا زد.

اوضاع اضطراری می شد. او می خواست با مادرش تماس بگیرد ، اما نمی خواست که او فکر کند آنا نمی تواند کار را انجام دهد. آنا نشست. چه کاری می خواست انجام دهد؟

اما آنا ، چیزی شنید. داشت از اتاقش می آمد. " گریس؟" روی زانو نشست و به زیر تخت نگاه کرد. او می توانست سر طاس گریس را ببیند. گریس به دنبال آنا به داخل اتاقش رفته بود و زیر تخت اش خزیده بود.

" چه آرامشی!" آنا گریه کرد.

خواهرش را برداشت و به سر او زد. سر او نرم و بدون چروک بود. گریس انگشت شست خود را می مکید و خسته به نظر می رسید. بنابراین ، آنا او را در پتو پیچید و برای او شعر خواند. سپس او گریس را برای چرت در رختخواب قرار داد.

بعد از آن بعد از ظهر ، آنا می دانست که مراقبت از گریس کار ساده ای نیست. مراقبت از کودک کار زیادی می خواهد!